

A Study of the Representation of Social Activists in News Related to the Events of 1401 in Iran Based on Van Leeuwen's Theory (2008) (Comparison of Al-Arabiya and Al-Jazeera)

Zahra Farid: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University ,Tehran, Iran. **email:** z.farid@alzahra.ac.ir

Critical discourse analysis deals with decoding the ideologies hidden in the text and analyzing the unequal relations prevailing in the media. What techniques news agencies use against opposing discourse and how they represent non-indigenous actors are among the goals of critical discourse analysis. Van Leeuwen's (2008) socio-semantic analysis model is a suitable model through which the representation of social actors and their textual manifestations can be examined in various texts, including press texts. This study aims to shed light on the ideology of the owners of these news agencies and their positions on these events by examining two editorials related to the events of 1401 AH in Iran from two prominent news agencies, Al Arabiya and Al Jazeera. The findings of the study show that Al Arabiya, despite claiming to be neutral in reporting the news of this event, has purposefully engaged in polarization and othering by negatively activating and negatively valuing the ruling front, presenting them with a violent and bloody image; and has portrayed the activists of the other side as oppressed and entitled by passively valuing, naming, and identifying them. Unlike Al Arabiya, Al Jazeera has tried to adopt a cautious policy in reporting this news by concealing or downplaying the activists of the ruling front and negatively valuing both sides.

Keywords: Critical Discourse Analysis, 1401 Iran Events, Al Arabiya, Al Jazeera, Van Leeuwen.

How to cite this paper: Farid, Z. (2025). A Study of the Representation of Social Activists in News Related to the Events of 1401 in Iran Based on Van Leeuwen's Theory (2008) (Comparison of Al-Arabiya and Al-Jazeera). *Rasaneh*, 36(1), 61-90. [In persian]

مطالعه شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در اخبار مربوط به حوادث سال ۱۴۰۱ ایران بر اساس نظریه ون لیوون (۲۰۰۸) (مقایسه شبکه العربیه و الجزیره)

نوشته

زهرا فرید*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی به رمزگشایی ایدئولوژی های پنهان شده در متن و تحلیل روابط نابرابر حاکم بر رسانه می پردازد. این که خبرگزاری ها چه تکنیک هایی را علیه گفتمان مخالف به کار می گیرند و کنشگران غیر خودی را چگونه بازنمایی می کنند، از اهداف تحلیل گفتمان انتقادی است. الگوی تحلیل جامعه - معناشناختی ون لیوون (۲۰۰۸) الگوی مناسبی است که به وسیله آن می توان نحوه بازنمایی کنشگران اجتماعی و نمودهای متنی آن را در متون مختلف، از جمله متون مطبوعاتی، مورد بررسی قرار داد. این پژوهش با بررسی دو سرمقاله مرتبط با حوادث سال ۱۴۰۱ ایران از دو خبرگزاری برجسته العربیه و الجزیره، قصد دارد ایدئولوژی صاحبان این خبرگزاری ها و موضع آنها نسبت به این حوادث را روشن سازد. یافته های پژوهش نشان می دهد خبرگزاری العربیه، به رغم ادعای بی طرفی در انتقال اخبار این جریان، به طور هدفمند و با فعال سازی منفی و ارزش دهی منفی به جبهه حاکم، به قطب بندی و غیریت سازی دست زده و از آنها تصویری خشن و خون ریز ارائه داده است؛ و کنشگران طرف دیگر را با منفعل سازی، ارزش دهی مثبت، نام دهی و هویت دهی، کنشگرانی مظلوم و صاحب حق نشان داده است. خبرگزاری الجزیره برخلاف العربیه، در جریان انتقال این اخبار سعی کرده است با کتمان و یا کم رنگ کردن کنشگران جبهه حاکم و ارزش دهی منفی به هر دو طرف، سیاست محتاطانه ای در پیش بگیرد.

کلیدواژه: تحلیل گفتمان انتقادی، حوادث سال ۱۴۰۱ ایران، العربیه، الجزیره، ون لیوون.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)، تهران، ایران
z.farid@alzahra.ac.ir

نحوه استناد به این مقاله: فرید، زهرا (۱۴۰۴). مطالعه شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در اخبار مربوط به حوادث سال ۱۴۰۱ ایران بر اساس نظریه ون لیوون (۲۰۰۸) (مقایسه شبکه العربیه و الجزیره). رسانه، ۳۶(۱)، ۹۰-۶۱.

مقدمه

تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مردم در نقاط مختلف جهان افزایش غیرمنتظره‌ای یافته است. قدرت رسانه‌ها تا حدی است که می‌توانند باورهای مردم را شکل دهند و آن‌ها را به سمت و سوی دلخواه خود هدایت کنند. لذا بررسی موشکافانه روند خبرسازی خبرگزاری‌ها و میزان و نحوه اعمال قدرت در آن‌ها در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، می‌تواند به آگاهی بخشی به مخاطبان برای شناخت سطوح قدرت و ایدئولوژی حاکم بر رسانه کمک کند.

ضرورت بررسی رسانه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی زمانی آشکار می‌شود که بدانیم نهادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همواره گفتمان موردنظر خود را بر رسانه‌های تحت سلطه تحمیل می‌کنند و آن را چنان طبیعی جلوه می‌دهند که مردم، پذیرش آن گفتمان و نیز تفکر و جهان‌بینی پنهان در آن را امری طبیعی، منطقی و انتخابی از جانب خود پندارند. در این میان، وظیفه تحلیل‌گران انتقادی گفتمان این است که مردم را نسبت به این جهان‌بینی‌ها آگاه سازند.

این پژوهش بر آن است که به بررسی نموده‌های گفتمانی مرتبط با بازنمایی اعتراض‌های اخیر ایران (۱۴۰۱) در خبرگزاری‌های العربیه و الجزیره بپردازد. انتخاب این دو خبرگزاری به دلیل قدرت نفوذ، گستردگی پوشش خبری آن‌ها و نیز موضع‌گیری‌های متفاوتشان در برابر حوادث ایران بوده است. برای این پژوهش از الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون‌لیوون (۲۰۰۸) استفاده شده است. این الگو به‌طور خاص برای بررسی نحوه بازنمایی کنشگران در ساخت‌های گفتمانی طراحی شده است و امکان تحلیل شیوه‌های بازنمایی و راهبردهایی را که بر مبنای دخالت ایدئولوژیک در گفتمان‌های مخالف به‌کار گرفته می‌شوند، فراهم می‌سازد. این جستار به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. خبرگزاری‌های العربیه و الجزیره بر اساس الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون‌لیوون، چگونه کنشگران اجتماعی را در مسئله اعتراض‌های سال ۱۴۰۱ ایران تصویر کرده‌اند؟
۲. میزان همسانی یا سوگیری این دو رسانه در نحوه بازنمایی این اعتراض‌ها چگونه بوده است؟

فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. به نظر می‌رسد العربیه با قطب‌بندی میان کنشگران، غیریت‌سازی و ارزش‌دهی منفی و مثبت به طرفین در بازنمایی اعتراض‌های ایران، کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران را فعال و مردم ایران را منفعل بازنمایی کرده است؛ در مقابل، الجزیره کوشیده است از قطب‌بندی پرهیز کند و با ارزش‌دهی (مثبت و منفی) به کنشگران هر دو طرف، آن‌ها را به یک اندازه درگیر یا مقصر نشان دهد.
۲. به نظر می‌رسد العربیه نسبت به الجزیره سوگیری بیشتری در قبال اخبار ایران داشته و گفتمان الجزیره قرابت بیشتری با گفتمان سیاسی رسمی ایران دارد.

پیشینه پژوهش

الگوی ون لیون (۲۰۰۸) در تحلیل گفتمان بسیاری از آثار داستانی و غیرداستانی مورد استفاده قرار گرفته است. اما در اینجا به مواردی پرداخته می شود که در تحلیل متون خبری از این الگو استفاده شده است:

پهلوان نژاد و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله "شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه های گفتمان مدار جامعه شناختی - معنایی"، به بررسی رابطه سطوح زیرین و زبرین نشریات دوره مشروطه پرداخته اند. آن ها ضمن بررسی مؤلفه های گفتمان مدار به این نتیجه رسیده اند که این نشریات با فعال سازی و تشخیص بخشی، کنشگران اجتماعی پس از انقلاب مشروطه را کارگزارانی فعال و اثرگذار در جریان تغییرهای اجتماعی آن دوره معرفی کرده اند.

آقاگل زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله "مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته ای ایران در رسانه های بین المللی، الگوی ۲۰۰۸ ون لیون"، به بررسی ادعای بی طرفی خبرگزاری های غربی نسبت به پرونده هسته ای ایران پرداخته و اثبات می کنند که به رغم این ادعا، در این خبرگزاری ها جزیانی هدفمند برای مخدوش کردن تصویر ایران و مثبت نشان دادن چهره طرف غربی وجود دارد.

زمانی و خلیلی (۱۳۹۳) در مقاله "بازنمایی دیگری در قالب کنشگران اجتماعی در روزنامه های قانون و کاوه"، بر اساس نظریه ون لیون، نحوه بازنمایی "دیگری" در این دو روزنامه را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که این دو روزنامه، به دلیل حاکمیت ایده ترقی، "دیگری" (غرب) را در قالب کارگزاری پویا بازنمایی کرده اند؛ اما رمزگونی روزنامه قانون اندکی بالاتر از روزنامه کاوه است.

تاکسی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله "نحوه کاربرد مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی در هویت دهی به کنشگران اجتماعی در روزنامه های داخلی و خارجی پیرامون برنامه هسته ای ایران"، با بررسی مؤلفه های نظریه مذکور در این نشریات، نتیجه گرفته اند که این روزنامه ها هرکدام به شکلی متفاوت و به طور کامل هدفمند به نقش دهی و بازنمایی کنشگران پرداخته اند. نیازی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله "تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی ایران در روزنامه الشرق الاوسط با تکیه بر الگوی ون لیون"، دخالت ایدئولوژیک نویسندگان در ساخت های گفتمانی این روزنامه را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که این روزنامه با ارزش دهی منفی، ایران را کنشگری منفی و مداخله گر و عربستان را کنشگری مثبت قلمداد کرده است.

زارع زردینی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله "بازنمایی کنشگران اجتماعی توافق هسته ای ایران بر اساس الگوی ون لیون در دو روزنامه الریاض عربستان و تشرين سوریه"، نشان داده اند که ارجاع طبقه بندی (ارزش دهی) بیشترین راهبرد مورد استفاده در این دو روزنامه بوده

است که با هدف حاشیه‌رانی نقاط مثبت خودی و برجسته‌سازی نقاط منفی دیگری به‌کاررفته است.

محسنی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی بازتابی ترور شهید قاسم سلیمانی در روزنامه‌ی الشرق الاوسط با تکیه بر الگوی ون‌لیوون»، به بازتاب چهره‌ی سلطه‌جوی طرف ایرانی و نیز شهید سلیمانی در این روزنامه پرداخته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که ترسیم چهره‌ای ناآرام از طریق فعال‌سازی منفی کنش سردار سلیمانی، بازتابی منفی ایران، منزوی نشان‌دادن کشورهایمانند عراق و سوریه در قبال کنش‌های ایران و نقش‌دهی انحرافی و افراطی به کنشگران ایرانی، ازجمله سوگیری‌های این رسانه‌ی سعودی بوده است.

با توجه به آنچه در پیشینه بیان شد، تاکنون مقاله‌ای که با استفاده از این الگو (ون‌لیوون) به‌طور مشخص به مسایل زنان و به‌خصوص جریان‌های اخیر ایران (حوادث ۱۴۰۱) پرداخته باشد، یافت نشد و این پژوهش ازاین جهت، تلاشی نو به‌شمار می‌رود.

چارچوب نظری

یکی از نهادهای شکل‌دهنده‌ی گفتمان، رسانه‌ها هستند که در همه‌ی جای جهان، خواسته‌های صاحبان خود را بازتاب می‌دهند و صاحبان رسانه‌ها نیز همواره جهان‌بینی خاص خود را دارند. «بازتابی حوادث در رسانه‌ها به‌شکل بی‌طرف، دنیای پیرامون را به نمایش نمی‌گذارد؛ بلکه ایدئولوژی‌های سازندگان برنامه‌ها و سیاست‌هایی که دولت‌ها در کشورهای مختلف در پیش می‌گیرند، در نحوه‌ی رمزگذاری تولیدات رسانه‌ای تأثیرگذار هستند» (نژاد سالاری و مهدی‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۱).

در واقع، رسانه‌ها حقایق پیرامون ما را به‌تنهایی انعکاس نمی‌دهند؛ بلکه آفریننده‌ی آن‌ها هستند. لذا، وظیفه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، «بررسی چرایی تولید متون در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی و اجتماعی و ارتقای تحلیل از سطح توصیف متون به سطح تبیین است. همچنین تحلیل گفتمان انتقادی محدوده‌ی تحقیق را نیز از گستره‌ی تحلیل به سطح کلان، یعنی جامعه، تاریخ و ایدئولوژی وسعت می‌بخشد» (آفاگل زاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

در تحلیل گفتمان انتقادی، از مؤلفه‌ها یا ساختارهای گفتمان‌مدار برای تحلیل متن استفاده می‌شود. «ساختارهایی گفتمان‌مدار هستند که به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری آن‌ها و یا تغییر و تبدیل آن‌ها به‌صورت دیگر در گفته و یا متن، باعث می‌شود که از گفته برداشت‌های متفاوتی شود، مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته را برجسته کند و بخشی دیگر را در حاشیه قرار دهد» (پارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱).

در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشگرانی مانند وندایک^۱ (۱۹۹۶)، فرکلاف^۲ (۱۹۸۹) و دیگران، الگوهایی را ارائه داده‌اند. این تحلیل‌گران توجه خود را بر شیوه‌های بروز مؤلفه‌های زبان‌شناختی معطوف کرده‌اند؛ اما وندایون (۲۰۰۸) به جای شاخص‌های زبان‌شناختی، شاخص‌های جامعه‌شناختی - معنایی را ملاک تحلیل قرار داده است. او معتقد است: «مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی گفتمان، ابزاری نیرومند برای تحلیل متن است تا بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناسی صرف» (وندایون، ۲۰۰۸: ۴).

«این الگوی بررسی، گفتمان هر متن یا گفته را تبلور دیدگاه‌های فکری - اجتماعی فرد یا طبقه‌ای خاص می‌داند که بازتاب مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مند جاری در یک جامعه یا بخشی از آن است. بدین ترتیب، همه اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان، خواه‌وناخواه با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط هستند و در خدمت بیان منظور و نیت مؤلف قرار دارند» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۶۴). وندایون با بسط و تلفیق نظریه‌های دیگر جامعه‌شناسان توانسته است تأثیر گفتمان را در ساخت، تبدیل صورت و حفظ قدرت اجتماعی اثبات کند (عرب یوسف‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۶).

وندایون در الگوی خود ۵۱ شیوه بازنمایی را با عنوان «شبکه کنشگران اجتماعی»^۳ معرفی می‌کند. همه این شیوه‌ها در تحقق بازنمایی کنشگران نقش دارند؛ باوجوداین، نوعی یکنواختی زبانی نیز در این شبکه وجود دارد (وندایون، ۲۰۰۸: ۵). همچنین، وندایون به جای اصطلاح «مشارکان گفتمان» (مجموعه افرادی که در یک رویداد حضور دارند)، از ترکیب «کنشگران» یا «کارگزاران اجتماعی» استفاده می‌کند که با رویکرد کلی این پژوهشگر - که حالتی جامعه‌شناختی - معنایی دارد - همسوتر است. وندایون الگوی خود را به دو مؤلفه اصلی «حذف» و «ذکر/اظهار» تقسیم می‌کند. منظور از حذف در گفتمان، فرایندی است که در آن کنشگر اجتماعی از گفتمان به دو شکل «پنهان‌سازی» و «کم‌رنگ‌سازی» حذف می‌شود. در فرایند پنهان‌سازی با حذف کامل کنشگران اجتماعی و فعالیت‌های آن‌ها روبه‌رو هستیم که وندایون آن را «حذف رادیکال/افراطی» می‌نامد. اما در کم‌رنگ‌سازی، گرچه کنشگر از گفتمان حذف می‌شود، کنش‌ها و ردپای او در متن قابل بازیابی است و می‌توان به‌گونه‌ای تلویحی به حضور او پی برد (وندایون، ۲۰۰۸: ۳۳).

همچنین، منظور از «ذکر/اظهار»، وجود و حضور کنشگران اجتماعی در گفتمان است که با شیوه‌های مختلف محقق می‌شود. وندایون (۲۰۰۸) فرایند اظهار را به سه زیربخش اصلی «تعیین نقش»، «تعیین نوع ارجاع/اشاره» و «تعیین ماهیت» تقسیم می‌کند که هرکدام به زیرمجموعه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود. به‌طورکلی، حضور یا عدم حضور و با هر نوع

1. Van Dijk
2. Fairclough
3. Social Actor Network

پنهان سازی

حذف

کم رنگ سازی

فعال سازی

منفعل سازی

تأثیر پذیری مستقیم

تأثیر پذیری غیر مستقیم

تشخیص بخشی

مشخص سازی

نامشخص سازی

جنس ارجاعی

نوع ارجاعی

انتزاعی کردن

عینی کردن

تشنخص زدایی

اظهار

پیمودن

پیمودن دایی

تفکیک کردن

تفکیک نکردن

طبقه بندی کردن

نام دهی

رسمی

نیمه رسمی

غیر رسمی

مقام دهی

عنوان دهی

نسبت دهی

عنوان زدایی

مشخص سازی تک موردی

مشخص سازی چند موردی

وارونگی

نمادین شدگی

دلاله شمنی کردن

فشرده شدگی

زمان در همی

هویت بخشی مقوله ای

هویت بخشی نسبتی

هویت بخشی ظاهری

فرد ارجاعی

گروه ارجاعی

مکان مداری

ابزار مداری

گفته مداری

اندام مداری

کلی ارجاعی

مجموعه ارجاعی

همچنین، شایان ذکر است که به دلیل گستردگی مؤلفه‌ها، در این پژوهش تنها به مواردی پرداخته خواهد شد که حضور پررنگ‌تری در گفتمان هر دو رسانه داشته‌اند.

دهه آخر قرن بیستم شاهد انقلابی وسیع در زمینه اطلاعات و ارتباطات بود که اثرات آن از طریق فناوری ماهواره‌ای بر کشورهای عربی، از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس، به‌خوبی مشاهده می‌شود. ظهور شبکه‌های ماهواره‌ای خبری عربی در نیمه دهه نود قرن بیستم، یکی از پدیده‌های مهم رسانه‌ای جهان عرب به‌شمار می‌رود. در صف اول این شبکه‌ها، شبکه عربی و انگلیسی‌زبان الجزیره قرار داشت که توانست به‌دلیل پوشش وسیع و عمیق اخبار کشورهای عربی و غربی، پیامی قابل توجه و بی‌بدیل را نه‌تنها در سطح کشورهای عربی، بلکه در سطح کشورهای در حال توسعه نیز ارائه کند. این رسانه در سال ۱۹۹۶ با بودجه چند صد میلیون ریالی دولت قطر، ولی به‌عنوان یک شرکت خصوصی، شروع به کار کرد. این شبکه با شعار "الرأی و

الرأى الآخر" (نظر و نظر دیگر) توانست بر بینندگان عرب‌زبانی که سال‌ها از آزادی بیان محروم بودند، تأثیر زیادی بگذارد (المشیخی، ۲۰۰۷: ۴۲۵-۴۳۲).

در کنار شبکه الجزیره، شبکه العربیه با قدمتی کمتر ولی با پوشش خبری گسترده، خودنمایی می‌کند. العربیه نام یک شبکه خبری عربی است که به چند زبان دنیا اخبار خود را منتشر می‌کند. این شبکه از سال ۲۰۰۳ شروع به فعالیت کرده و مقر آن در ریاض، عربستان سعودی، است. به جز عربستان، گروه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای دیگری مانند گروه "رفیق حریری"، شبکه MBC و کشورهایی از حوزه خلیج فارس مانند کویت، حدود ۳۰۰ میلیون دلار برای تشکیل این شبکه هزینه کرده‌اند. این شبکه پایه‌پای شبکه الجزیره و گاهی فراتر از آن مشغول فعالیت است. حضور این شبکه‌های خبری و فعالیت گسترده آن‌ها در جهان، باعث "رسانه‌ای شدن سیاست" شده است که «ناظر بر وضعیتی است که رسانه‌ها در کنش‌های سیاسی مشارکت دارند و بر جامعه به‌شیوه‌ای سیاسی اثر می‌گذارند. همچنین روزنامه‌نگاران و کاربرانی که در رسانه‌های اجتماعی بر خط فعال هستند، بدل به بازیگران سیاسی می‌شوند» (رحیم‌زاده حناچی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰).

روش پژوهش

نظریه تحلیل گفتمان ون لیوون (۲۰۰۸) که به‌عنوان چارچوب این تحقیق انتخاب شده، رویکردی بر ساخت‌گرا نسبت به متون، به‌ویژه متون سیاسی، دارد.

روش بازنمایی بر ساخت‌گرا در تحلیل گفتمان نشان می‌دهد هر چند رسانه‌ها مدعی بازنمایی مبتنی بر واقعیت از حوادث دنیای پیرامون هستند؛ اما بازنمایی حوادث در رسانه به شکل بی‌طرف، دنیای پیرامون را به نمایش نمی‌گذارد؛ بلکه ایدئولوژی‌های سازندگان برنامه‌ها و سیاست‌هایی که دولت‌ها در کشورهای مختلف در پیش می‌گیرند، در نحوه رمزگذاری تولیدات رسانه‌ای تأثیرگذار هستند (نژاد سالاری و مهدی‌زاده، ۱۴۰۲: ۹).

در تحقیق پیش‌رو، اخبار خبرگزاری‌های العربیه و الجزیره دربارهٔ حوادث اخیر ایران (۱۴۰۱) به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده است. از میان اخبار این دو خبرگزاری، دو سرمقاله که منعکس‌کننده دیدگاه‌های آن‌ها در بازتاب این اخبار بودند، موردبررسی قرار گرفت. فاصله انتشار این دو سرمقاله نسبت به یکدیگر کمتر از یک ماه است. خبر العربیه در تاریخ ۱۱ اکتبر ۲۰۲۲ با عنوان "ماذا وراء انتفاضة النساء في إيران؟" (پشت پرده خیزش زنان در ایران چیست؟) به نقل از روزنامه ایندپندنت عربی و به قلم ولید فارس است و خبر الجزیره در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ با عنوان "أكبر من الحجاب... ماذا وراء الاحتجاجات الأخيرة في إيران؟" (بزرگ‌تر از حجاب... پشت پرده اعتراض‌های اخیر ایران چیست؟) توسط خانم فاطمه الصمادی نوشته شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، اخبار خبرگزاری‌های العربیه و الجزیره بر اساس مؤلفه‌های نظریه ون‌لیوون که در قسمت مبانی نظری پژوهش به آن‌ها اشاره شد، تحلیل خواهند شد.

حذف^۱

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، این مؤلفه به کتمان/پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی/پس‌زمینه‌سازی تقسیم می‌شود.

کتمان/پنهان‌سازی^۲

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «یتساءل کثیر من المراقبین، ولاسیما فی الغرب، عن أسباب انفجار انتفاضة نسائية عارمة فی ایران، بعد مقتل الشابة مهسا امینی الشهر الماضي».

(بسیاری از ناظران، به‌ویژه در غرب، از دلایل به‌راه‌افتادن قیام گسترده زنان ایرانی پس از کشته‌شدن دختر جوان، مهسا امینی، در ماه گذشته می‌پرسند).

و نیز در ادامه: «قد اعتقلتها "شرطة الأخلاق" وقتلت فی المعتقل وأثارت مأساة مقتلها احتجاجات عارمة فی ایران».

(...که "پلیس اخلاق" (گشت ارشاد) او را دستگیر کرد و [او] در بازداشتگاه کشته شد. فاجعه کشته‌شدن او اعتراض‌های گسترده‌ای را در ایران برانگیخت).

در اینجا از سازوکارهای زبانی تحقق پنهان‌سازی (کتمان)، یعنی حذف فاعل در ساخت مجهول (قُتلت) و اسم‌سازی (مقتل)، استفاده شده است (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۳۳). از آنجاکه «ایدئولوژی‌ها به‌طور عمده در ناگفته‌ها (گزاره‌های تلویحی) جای دارند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱). لذا در اینجا نیز نویسنده با کتمان عامل یا عاملان دقیق مرگ مهسا امینی و استفاده از شیوه "نام‌دهی کلی" ("شرطة الأخلاق")، خواسته است بار این عمل را برگردن کل حاکمیت ایران بیندازد و از کارگزاران حکومت ایران چهره‌ای خشن و خون‌ریز ارائه دهد.

نکته دیگری که در این پاره‌گفتارها قابل ملاحظه است، استفاده روزنامه العربیه از واژه "مَقْتَل/قتل" (کشته‌شدن/قتل) برای توصیف مرگ مهسا امینی است.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «وجاءت قضية مهسا امینی التي توفيت بعد اعتقالها من قبل "دورية الإرشاد" التي

1. Elusion
 2. Suppression

تراقب الحجاب والسلوكيات العامة لتفجر احتجاجات تعكس بصورة جوهرية حالة الأزمة» (ماجرای مهسا امینی که پس از دستگیری توسط "گشت ارشاد" - که ناظر بر حجاب و رفتار عمومی است - درگذشت، اعتراض‌هایی را برانگیخت که درواقع وضعیت بحران را منعکس می‌کند). در اینجا کنشگران اجتماعی دخیل در مرگ حذف شده‌اند و از فعل مجهول "توفیت" (درگذشت/وفات یافت) برای مرگ مهسا امینی استفاده شده است که در مقایسه با خبر العربیه نشان می‌دهد الجزیره مرگ او را به‌عنوان "فوت پس از دستگیری" بازنمایی می‌کند نه "قتل". فعل به‌صورت مجهول آمده و کارگزار حذف شده است؛ یا به این دلیل که از نظر نویسنده شخص یا گروه مشخصی مسئول نبوده، یا این‌که نویسنده نخواست است کسی را به‌طور خاص متهم کند. چنان‌که ترو^۱ (۱۹۷۹) اشاره می‌کند، پیام متن به انتخاب فعل معلوم یا مجهول بستگی دارد. انتخاب فعل مجهول در جمله «سیاه‌پوستان به دست پلیس کشته شدند»، باعث می‌شود کنش (کشته‌شدن) سیاه‌پوستان برجسته‌تر از اقدام پلیس به‌نظر برسد (ترو، ۱۹۷۹: ۹۴، به نقل از ملیس^۲، ۱۳۸۸: ۱۸۷). در اینجا نیز با مجهول کردن فعل، خود رخداد مرگ مهسا امینی برجسته‌تر از عامل یا عاملان احتمالی آن می‌شود.

کم‌رنگ سازی^۳ / پس‌زمینه‌سازی

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «فی یونیو (حزیران) ۲۰۰۹ التهبت شوارع طهران بتظاهرات واسعة ضد النظام وسقط قتلى وجرحى فى ما عرف بالثورة الخضراء»، (در ژوئن ۲۰۰۹، خیابان‌های تهران با تظاهرات گسترده علیه رژیم به آشوب کشیده شد و در جریان موسوم به انقلاب سبز، چند تن کشته و زخمی شدند).

خبرگزاری العربیه با استفاده از فعل "التهبت" (به آشوب کشیده شد/ملتهد شد)، در واقع کنشگران صحنه درگیری‌های سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) را کم‌رنگ‌سازی کرده و فقط به وضعیت ملتهد خیابان‌های تهران اشاره کرده است. نویسنده با استفاده از این تکنیک سعی کرده توجه مخاطب را به‌سوی خود کنش (التهاب و آشوب) سوق دهد و کنشگران (که به‌طور قطع شامل نیروهایی خارج از صف مردم نیز می‌شدند) را نادیده گرفته است.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «قد تجد أصواتاً فى إيران تشكك فى تأثير العقوبات، لكنها فى الواقع حرمت المجتمع الإيراني من مزايا اقتصادية، وطالت بتأثيراتها حتى الطبقة الوسطى فى المجتمع».

1. Trew
2. Mills
3. Back grounding

(ممکن است در ایران صداهایی بیابید که تأثیر تحریم‌ها را زیر سؤال می‌برند، اما در واقع تحریم‌ها، جامعه ایران را از منافع اقتصادی محروم کرده‌اند و تأثیرات آن‌ها حتی طبقه متوسط جامعه را نیز در بر گرفته است).

نویسنده ضمن پرداختن به دلایل ایجاد بحران، به تحریم‌های آمریکا علیه ایران اشاره می‌کند. در پاره‌گفتار موردنظر، کنشگران مخالف تأثیر تحریم‌ها ("اصواتاً") به پس‌زمینه رفته و کم‌رنگ‌بازنمایی شده‌اند تا از اهمیت آن‌ها کاسته شود. استفاده از واژه "اصواتاً" (صداهایی) به شکل نکره نیز می‌تواند دلیل دیگری باشد بر این که نویسنده، کنشگران جبهه‌ای را که معتقد به عدم تأثیر تحریم‌ها بر مردم هستند، صداهایی ضعیف و در اقلیت قلمداد می‌کند.

ذکر / اظهار^۱

در فرایند اظهار، حضور کنشگران در قالب فعال‌نمایی، منفعل‌نمایی (مستقیم و غیرمستقیم)، تشخیص‌بخشی و تشخیص‌زدایی نمایانده می‌شود.

فعال‌نمایی^۲

در تحلیل گفتمان، نقشی که در بازنمایی به کنشگر اجتماعی داده می‌شود، اگر از نوع عاملیت باشد، به آن فعال‌سازی گفته می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

خبر العربیه

پاره‌گفتار: «نساء ایران، وبخاصة الفتيات والمراهقات في الأجيال الصاعدة يتواصلن مع بعضهن البعض، ويشاهدن ما يحصل في العالم الخارجي بواسطة الإنترنت».
 (زنان ایرانی، به‌ویژه دختران و نوجوانان نسل‌های جدید، از طریق اینترنت با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و می‌بینند که در دنیای بیرون چه می‌گذرد).
 و یا پاره‌گفتار: «واجه النظام كعاداته المجموعات التي أطلقت هتافات تدعو إلى الحرية، بعنف أمني واعتقال العشرات...».
 (طبق معمول، رژیم با گروه‌هایی که شعار آزادی سر می‌دادند، با خشونت امنیتی و دستگیری ده‌ها تن برخورد کرد).

از آنجاکه به قول ون‌دایک، گفتمان محدود به واژه‌ها و جمله‌های متن نیست؛ بلکه از عنوان شروع می‌شود (ون‌دایک، ۱۳۹۳: ۶۱)، لذا نویسنده سرمقاله از همان عنوان، با ذکر کلمه "انتفاضة" (خیزش)، دو جبهه متعارض را بازنمایی کرده و در هر دو جبهه، کنشگران

را فعال‌نمایی کرده است. نمود زبانی فعال‌سازی در اینجا، ذکر فاعل در ساخت معلوم است. کنشگران حکومتی با عناوینی مانند "الحرس الثوری"، "النظام"، "شرطه الأخلاق" به عنوان کنشگران منفی فعال و از سوی دیگر، "النساء الإيرانيات"، "الشابات و الشبان"، "الفتیات المراهقات"، "المرأة الإيرانية" به مثابه کنشگران مثبت فعال بازنمایی شده‌اند. همچنین در اینجا نویسنده از تکنیک "تعمیم" و ن‌دایک نیز استفاده کرده است؛ یعنی اعتقادات گروهی از مردم را به نگرش اجتماعی کل جامعه تعمیم داده است. «تکنیک تعمیم و ن‌دایک در واقع عینیت‌بخشی مقوله ما/دیگری و ترویج طرح‌واره‌ها و ایدئولوژی‌های خلق‌شده و تزریق آن‌ها در جامعه است» (کلانتری خاندانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۱).

خبر الجزیره

پاره‌گفتار: «...أن نظام الحكم في إيران، وبغض النظر عن التطورات البيئية والقيمية المحيطة، يستمر في التأكيد فقط على التقاليد واستنساخ قيمه التقليدية».

(رژیم ایران، بدون توجه به تحولات محیطی و ارزشی پیرامون، تنها بر تقلید و تکرار ارزش‌های سنتی خود تأکید می‌کند).

همچنین پاره‌گفتار: «... أن أجيالاً في إيران بات لها أولويات وتفضيلات قيمية ومعارية وسلوكية قائمة على نظام القيم الحديث مثل الحرية الشخصية والاختيار الفردي».

(نسل‌هایی در ایران بر اساس نظام ارزشی مدرن، اولویت‌ها و ترجیحات ارزشی، هنجاری و رفتاری [جدیدی] مانند آزادی شخصی و انتخاب فردی دارند).

در خبرگزاری الجزیره، نظام حکومتی ایران فعال‌سازی منفی شده و نویسنده معتقد است یکی از عوامل اصلی این اعتراض‌ها، اصرار نظام بر ارزش‌هایی است که دوران آن‌ها سپری شده است. همچنین در پاره‌گفتار دوم، کنشگران جبهه مخالف (نسل‌های جدید) به صورت فعال و مثبت بازنمایی شده‌اند.

منفعل‌نمایی

منظور از منفعل‌نمایی، تحت عمل قرارگرفتن کنشگر یا معطوف شدن نتیجه عمل به سوی اوست (آفاگل زاده، ۱۳۹۲: ۷).

منفعل‌سازی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

منفعل‌نمایی مستقیم^۱

در منفعل‌نمایی مستقیم، کنشگر خود، موضوع عمل قرار می‌گیرد (قاسمی اصل و نیازی، ۱۳۹۹: ۳۲).

خبر العربیه

«ولایفهم الشباب وبخاصه الفتیات لماذا وضعهم لایتأخر فحسب، بل يعود إلى الورا؟»
 (جوانان ایرانی از پیشرفت جوامع پیرامون ایران و کشورهای غربی آگاه هستند؛ لیکن جوانان، به‌ویژه دختران، درک نمی‌کنند که چرا وضعیت آن‌ها نه تنها بهتر نشده، بلکه بدتر هم شده است؟).
 پاره‌گفتار بالا جوانان ایران را کنشگرانی منفعل نشان می‌دهد که به‌خاطر ظلم نظام، دچار آسیب‌های اجتماعی شده‌اند. تصویرسازی کنشگر به‌عنوان پذیرنده یک فرایند منفی، تبعات ناگوار کنش (عقب‌ماندگی وضعیت) را برجسته‌تر می‌کند.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «إلا أن فئة استطاعت أن تفرض رؤيتها التي تقول إنه نظرًا لأن النظام السياسي والثقافي أصبح إسلاميًا، يمكنه ويجب عليه تحديد القواعد والإجراءات في جميع المجالات، بما في ذلك أنماط التنشئة الاجتماعية وأنماط حياة الناس».
 (اما گروهی توانست دیدگاه خود را تحمیل کند که می‌گوید؛ چون نظام سیاسی و فرهنگی، اسلامی شده است، می‌تواند و باید قوانین و رویه‌هایی را در همه زمینه‌ها، از جمله الگوهای جامعه‌پذیری و سبک زندگی مردم، تعیین کند).
 در اینجا، «الناس» (مردم ایران) به‌طور مستقیم منفعل‌نمایی شده‌اند؛ یعنی مجبور شده‌اند به روش خاصی از زندگی که موردپذیرش قانون‌گذار «فئة» (حاکم) بوده، تن در دهند. نتیجه قطعی این اجبار، از دیدگاه این تحلیل، اعتراض‌های سال‌های اخیر ایران بوده که الجزیره برخلاف العربیه از آن تعبیر به «احتجاج» (اعتراض) می‌کند.

منفعل‌نمایی غیر مستقیم^۱

در منفعل‌نمایی غیر مستقیم، برخلاف مستقیم، کنشگر تحت تأثیر نفع یا ضرر عاملی دیگر (اجتماعی، سیاسی و...) قرار می‌گیرد (قاسمی اصل نیازی، ۱۳۹۹: ۲۲).

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «شعرت المرأة في إيران... أن العالم الحرّ قد تخلّى عن الشعب الإيراني، ولاسيما منذ توقيع إدارة الرئيس الأميركي السابق باراك أوباما على الاتفاق النووي في ۲۰۱۵ مما وفّر للنظام تمويلًا أكبر لتعزيز قدراته وإطالة فترة قمعه للمجتمع والنساء...».
 (زنان در ایران احساس کردند که جهان آزاد، مردم ایران را رها کرده است؛ این حس به‌ویژه از زمانی بیشتر شد که دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، در سال

۲۰۱۵ توافق هسته‌ای را امضا کرد؛ توافقی که باعث شد بودجه بیشتری برای ارتقای قابلیت‌ها و طولانی شدن دوره سرکوب جامعه و زنان، در اختیار رژیم ایران قرار گیرد). نویسنده، امضای توافق نامه هسته‌ای در سال ۲۰۱۵ بین آمریکا و ایران را نوعی چراغ سبز از سوی آمریکا به ایران می‌داند که دست ایران را از لحاظ مالی در سرکوب مردم بازتر کرد. در واقع، اقدام آمریکا و ایران (توافق) به‌طور غیرمستقیم تأثیر منفی بر مردم ایران، به‌ویژه زنان، گذاشته است. این در حالی است که (به‌زعم نویسنده یا در زمان نگارش مقاله) در جریان اعتراض‌ها، شاهد حمایت و اظهارنظرهای سران کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، بودیم.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «و فیما یجری اتهام قوات الأمن بإطلاق الرصاص تؤكد الحكومة وجود "مندسین" وسط المتظاهرين يدفعون الأمور نحو العنف والفوضى».

(در حالی که نیروهای امنیتی متهم به شلیک گلوله هستند، دولت حضور "نفوذی‌ها" را در میان تظاهرکنندگان تأیید می‌کند [به گفته دولت] این افراد هستند که همه چیز را به سمت خشونت و هرج و مرج سوق می‌دهند).

الجزیره کنشگران "المتظاهرين" (معترض) را که شاید آسیب دیده‌اند، با روش منفعل‌سازی غیرمستقیم بازنمایی کرده است. برخلاف العربیه که متسببان به حکومت ایران را دلیل کشته شدن معترضان می‌دانست، الجزیره (با نقل قول از دولت ایران) "نفوذی‌هایی" در صف خود مردم را عامل صدمه به معترضان معرفی می‌کند. (یعنی معترضان قربانی غیرمستقیم عمل نفوذی‌ها شده‌اند). همچنین الجزیره در مورد کنشگری نیروهای بیگانه مانند آمریکا و نقش آن‌ها در این جریان‌ها، به شکل متفاوتی به فعال‌نمایی این نیروها پرداخته و مردم ایران را به شکل غیرمستقیم منفعل‌نمایی کرده است:

«ویدرک خصوم ایران فی الخارج مقدار الضغط الذي ترتبه الحالة الاقتصادية ولذلك يضغطون بمزيد من العقوبات وتقديم ما من شأنه أن يعزز الحالة الاحتجاجية داخل إيران ويوسع المسافة بين الشعب ونظام الحكم، ...».

(دشمنان ایران در خارج از کشور از میزان فشارهای ناشی از شرایط اقتصادی آگاه هستند و به همین دلیل بر اعمال تحریم‌های بیشتر فشار می‌آورند و بدین وسیله اسباب شدت یافتن اعتراض‌ها در داخل ایران و بیشتر شدن فاصله بین مردم و نظام را فراهم می‌کنند...).

الجزیره در این پاره‌گفتار، یکی از دلایل اعتراض‌های مردم ایران را تحریم‌های آمریکا و فشار اقتصادی ناشی از آن بر مردم و زیاد شدن شکاف میان مردم و حکومت می‌داند. یعنی در واقع، آمریکا به عنوان دشمن ایران می‌خواهد با تحریم‌ها، حکومت ایران را تحت فشار قرار دهد تا شروط آمریکا برای توافق را بپذیرد؛ اما در این میان، این مردم ایران هستند که به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفته‌اند.

تشخص بخشی^۱

شیوه بازنمایی تشخص بخشی به دو نوع مشخص سازی و نامشخص سازی تقسیم می شود.

مشخص سازی^۲

مشخص سازی به چند زیرمجموعه تقسیم می شود، از جمله: پیوسته نمایی (پیوندزدن)، تمایزگذاری (تفکیک کردن)، نام دهی، طبقه بندی، مشخص سازی چندموردی، تک موردی و ارزش دهی.

پیوسته نمایی^۳

در پیوسته نمایی، چند کنشگر متمایز از هم با حروف ربط هم پایه ساز در کنار هم قرار می گیرند. «پیوسته نمایی به گروه هایی اشاره دارد که کنشگران اجتماعی و یا گروه هایی از کنشگران، آن ها را به وجود می آورند» (قنبری عبدالملکی و فیروزیان پوراصفهانی، ۱۴۰۱: ۲۱۹).

خبر العربیه

در پاره گفتار: «وبناء علی ما یمكن استشرافه، کیف یمكن أن یكون الموقف الغربی-الأمیرکی من انفجار كهذا؟».

(بر اساس آنچه که می توان پیش بینی کرد، موضع غرب و آمریکا در قبال چنین انفجاری چگونه خواهد بود؟).

از شیوه "الغربی-الأمیرکی" (پیوسته نمایی) استفاده شده؛ به این معنا که در کنار هم آوردن این دو واژه، نشان دهنده یکسان بودن موضع اروپا و آمریکا در برابر اعتراض های ایران (از دیدگاه نویسنده) است.

همچنین در پاره گفتار: «احتجاجات جدیدة تمیزت بمشاركه کبیرة من الشباب والشابات، ولاسیما من المراهقات».

(اعتراض های جدیدی که تفاوت آن، مشارکت وسیع دختران و پسران جوان، به ویژه دختران نوجوان، در آن است).

نویسنده با در کنار هم قرار دادن "الشباب و الشباب" و پیوسته نمایی آن ها، قصد دارد نشان دهد که جوانان دختر و پسر ایرانی همگی در این اعتراض ها نقش داشته اند و باهم هم عقیده بوده اند.

خبر الجزیره

در پاره گفتار: «عدد من العوامل جعل من قضیة الحجاب فی ایران أزمه، من أهمها السياسات الحکومیة والتغییر الاجتماعي».

1. Personification
2. Determination
3. Association

(عوامل متعددی موضوع حجاب را در ایران بحرانی کرده است که مهم‌ترین آن‌ها سیاست‌های دولت و تغییرات اجتماعی است).

الجزیره دو عامل اصلی را در قضایای اخیر مقصر می‌داند: یکی سیاست‌های حکومت ایران (که ناشی از اصرار نظام بر روش‌ها و سنت‌های گذشته و عدم تجدیدنظر در آن‌هاست) و دومی تغییرات اجتماعی پیش‌آمده در ایران (به‌خصوص در میان قشر جوان و تفاوت ارزش‌های آن‌ها نسبت به نسل گذشته). این خبرگزاری میان این دو عامل "السیاسات الحکومیة والتغییر الاجتماعي" پیوستگی ایجاد کرده تا نشان دهد هر دوی این عوامل، با وجود تفاوت ماهوی، در ایجاد بحران به یک اندازه نقش داشته‌اند.

تمایزگذاری^۱

در تمایزگذاری، کنشگران به شکل "خودی" و "غیرخودی" بازنمایی می‌شوند؛ یعنی "تفاوت قائل شدن میان کنشگر یا گروه کنشگران با فرد یا گروه شبیه به آن‌ها" (قبری عبدالملی و فیروزیان پوراصفهان‌ی: ۲۲۰). تمایزگذاری یا غیریت‌سازی در متون را «نمی‌توان تنها به باورهای یک مؤلف نسبت داد؛ بلکه بیشتر ناشی از نظام‌های اعتقادی کلانی هستند که توسط چارچوب‌های گفتمانی ساختاریافته‌اند و از طریق روابط قدرت، از نفوذ و اعتبار برخوردار شده‌اند» (میلز، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «فی یونیو (حزیران) ۲۰۰۹ التهیت شوارع طهران بتظاهرات واسعة ضد النظام وسقط قتلى وجرحى فی ما عرف بالثورة الخضراء. ومن ضحايا القمع كانت الفتاة "ندی" التي سقطت برصاص قناص من الحرس الثوری، ...».

(در ژوئن ۲۰۰۹، خیابان‌های تهران با تظاهرات گسترده علیه رژیم به اغتشاش کشیده شد و در جریان اعتراض‌های موسوم به جنبش سبز، تعدادی کشته و زخمی شدند. یکی از قربانیان این سرکوب، دختری به اسم "ندا" بود که توسط تک‌تیرانداز سپاه پاسداران مورد اصابت گلوله قرار گرفت...).

در این قسمت از خبر، دوقطبی کردن و تمایزگذاری میان کنشگران "ضد النظام"، "ضحايا القمع" در مقابل "الحرس الثوری" مشهود است. نویسنده از واقعه سال ۲۰۰۹ (۱۳۸۸) و جنبش سبز و کشته شدن "ندا آقاسلطان" با عنوان "الثورة الخضراء" (انقلاب سبز) و "القمع" (سرکوب) سخن می‌گوید تا از همان ابتدا تمرکز مخاطب بر روی تقابل یا ضدیت دو طرف باقی بماند.

خبر الجزیره

پاره‌گفتار: «والحدیث عن الحالة الاحتجاجیة فی ایران بموجتها الأخيرة أو الموجات التي سبقتها لا یعنی بأی حال من الأحوال تحلیلها کحالة تسعى لإسقاط أو حالة قادرة علی إسقاط النظام بقدر ما هی حالة ملازمة للمجتمع الإيراني».

(صحبت از موج اخیر اعتراض‌ها در ایران یا موج‌های پیش از آن، به هیچ وجه به معنای آن نیست که این جریان به دنبال براندازی نظام است یا قدرت براندازی نظام را دارد؛ بلکه بیشتر، شرایطی ذاتی و همیشگی در جامعه ایران است).

همان‌طور که از پاره‌گفتار بالا مشخص است، الجزیره برخلاف العربیه به قطب‌بندی صریح نمی‌پردازد و مرزی میان خودی و غیر خودی نمی‌کشد. همچنین، الجزیره با بیان این‌که جریان‌های اخیر در پی براندازی نظام نیست، بلکه اعتراض و یژگی همیشگی جامعه ایران است، از اعتبار و اهمیت سیاسی آن (به عنوان یک تهدید برای نظام) کاسته است.

نام‌دهی^۱

کشتگران اجتماعی از نظر هویت می‌توانند به دو صورت نام‌دهی یا طبقه‌بندی بازنامی شوند. نام‌دهی خود به دو صورت عنوان‌دهی (شامل لقب‌دهی/مقام‌دهی و پیوندجویی) و نام‌بری (رسمی، نیمه‌رسمی و غیر رسمی) انجام می‌شود.

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «وَأَدَّى ذَلِك إِلَى سَقُوطِ مَزِيدٍ مِنَ الْقَتْلَى بَيْنَ الْمَتَظَاهِرِينَ بَيْنَهُمْ عِدَدٌ مِنَ الْفَتَيَاتِ النَّاظِطَاتِ كَسَارِينَا إِسْمَاعِيلَ زَادَةَ وَنِيكََا شَكْرَمِي وَغَيْرِهِنَّ».

(این امر منجر به مرگ تعداد بیشتری از تظاهرات‌کنندگان، از جمله تعدادی از دختران فعال مانند سارینا اسماعیل‌زاده و نیکا شاکرمی و دیگران شد).

در شبکه العربیه، نام‌دهی رسمی (ذکر نام خانوادگی به تنهایی) وجود نداشت. اما بازنامی از طریق نام‌دهی نیمه‌رسمی (ذکر نام و نام خانوادگی) در جبهه مخالف صورت گرفته است: مهسا امینی، نیکا شاکرمی، سارینا اسماعیل‌زاده، دونالد ترامپ، باراک اوباما، جو بایدن. به نظر می‌رسد نویسنده با عدم نام‌دهی در جبهه حاکم، قصد دارد گناه را به گردن کلیت نظام بیندازد و همه ارگان‌های حکومتی را در این عمل مقصر نشان دهد. از طرفی، نام‌دهی در جبهه مخالف از این جهت انجام شده که مظلومیت این افراد را به صورت خاص تصویرسازی کند. نام‌دهی غیر رسمی (ذکر نام کوچک) نیز در العربیه معطوف به ذکر نام «مهسا» و «ندا» است.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «وتراجع مستويات الدخل قد يقود إلى حالة احتجاجية أخرى ذات طبيعة معيشية في عهد رئيسي علي غرار ما حدث في عهد حكومة روحاني».

(کاهش سطح درآمد ممکن است به اعتراض معیشتی دیگری در دوران رئیسی، مشابه آنچه در دوران دولت روحانی رخ داد، بینجامد).

برخلاف العربیه، کنشگران سیاسی ایران با نام‌های خانوادگی (نام‌دهی رسمی) نام‌دهی شده‌اند: خاتمی، احمدی‌نژاد، روحانی، رئیسی، مصدق. همچنین در الجزیره، ذکر نام "حسین بشیریه" و "منصور ساعی" به‌عنوان کارشناسان حوزه جامعه‌شناسی و سیاست، از نوع نام‌دهی نیمه‌رسمی است. نام‌بری اشخاص، آن‌ها را به‌عنوان عناصری فعال و پویا در کانون توجه قرار می‌دهد.

در شبکه الجزیره از نام‌دهی غیر رسمی استفاده نشده است. نام‌دهی به‌شکل غیر رسمی نوعی همبستگی بین کنشگران و جامعه اطرافشان را نشان می‌دهد که الجزیره با توجه به سیاست محتاطانه‌ای که در بازتاب این اخبار اتخاذ کرده، از این نوع بازنمایی استفاده نکرده است.

ون‌دایک در کتاب مطالعاتی در تحلیل گفتمان، در مورد روزنامه دلی میل و خبری که راجع به اخراج یک مهاجر و تظاهرات گسترده در لندن آورده، به نکته‌ای اشاره می‌کند که به‌نظر می‌رسد در مورد خبرگزاری العربیه و خبر مورد بررسی نیز صدق می‌کند. او می‌گوید: «نشریه دلی میل که یک نشریه عامه‌پسند دست‌راستی است، به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی وقایع کمتر توجه می‌کند؛ در حالی‌که با جزییات به‌نسبت دقیقی درباره تظاهرکنندگان و حامیان آن‌ها در حزب کارگر سخن می‌گوید» (ون‌دایک، ۱۳۹۳: ۳۳۶). در العربیه نیز برخلاف الجزیره، به زمینه‌های تاریخی این جریانات اشاره‌ای نشده؛ ولی به‌طور جانب‌دارانه‌ای به نام معترضان (نیمه‌رسمی و غیررسمی) و نقش آن‌ها در اعتراض‌ها پرداخته شده است.

مقام‌دهی^۱

در مقام‌دهی، کنشگران بر اساس مقام و جایگاهی که دارند، بازنمایی می‌شوند.

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «إدارة الرئيس الأميركي السابق باراك أوباما...» (دولت رئیس‌جمهور سابق آمریکا، باراک اوباما...).

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «يقول إبراهيم يزدي، أول وزير خارجيه لإيران بعد الثورة...» (ابراهيم يزدي، اولین وزیر امور خارجه ايران بعد از انقلاب، می‌گوید ...).
 در هر دو مورد، کنشگران با استفاده از جایگاه سیاسی‌شان بازنمایی شده‌اند.

طبقه‌بندی^۱

در فرایند طبقه‌بندی، به جای ذکر هویت فردی، کنشگر بر اساس نقش‌ها و هویت مشترک طبقه‌ای که به آن تعلق دارد، بازنمایی می‌شود (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۳۶). این فرایند به سه شاخه اصلی نقش‌دهی، هویت‌دهی و ارزش‌دهی تقسیم می‌شود.

نقش‌دهی^۲

در نقش‌دهی، کنشگران اجتماعی بر اساس فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند (مانند شغل، وظیفه و مسئولیت) بازنمایی می‌شوند.

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «...قد اعتقلتها «شرطه الأخلاق»...».
 (...) «پلیس اخلاق» (گشت ارشاد) او را دستگیر کرد... (بازنمایی بر اساس وظیفه نهادی).

خبر الجزیره

در پاره‌گفتارهای: «عالم الاجتماع المعروف حسين بشريه»، «استاذ العلوم الاجتماعيه منصور ساعي»، «المخرج إبراهيم حاتمي‌کیا».
 («جامعه‌شناس معروف حسین بشیریه»، «استاد علوم اجتماعی منصور ساعی»، «کارگردان ابراهیم حاتمی‌کیا»).

استفاده الجزیره از نام متخصصان و کارشناسان در مقام گروه‌های مرجع، از این جهت که اعتماد توده مردم به ایشان در سطح بالایی است، کمک می‌کند مخاطب نسبت به مطالبی که خبرگزاری ارائه می‌دهد، اعتماد پیدا کند. همچنین ذکر رشته و تخصص فرد از سوی روزنامه، نشان‌دهنده نوعی جانب‌داری (یا حداقل اهمیت‌دهی) به دیدگاه و نقطه‌نظرات وی است.

هویت‌دهی^۱

کنشگران ممکن است بر اساس ویژگی‌های ذاتی و دائمی طبقه‌بندی شوند و به آن‌ها هویت خاصی داده شود. هویت‌دهی به دو بخش اصلی هویت بخشی طبقه‌ای/مقوله‌ای و هویت بخشی نسبتی تقسیم می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۳).

هویت بخشی طبقه‌ای^۲

که بر اساس دسته‌بندی‌ها و طبقه‌بندی‌های مهم، آشکار و مبتنی بر سن، جنس، نهادهای اجتماعی، سیاسی، مذهبی، گرایش‌های جنسیتی، حرفه و مواردی از این دست انجام می‌شود.

خبر العربیه

در پاره‌گفتارهای: «نساء ایران، وبخاصه الفتیات والمراهقات فی الأجيال الصاعدة يتواصلن مع بعضهن البعض...» / «فالشباب الإيراني مطلع على تقدم المجتمعات المحيطة بإيران والدول الغربية...» (زنان ایرانی، به‌ویژه دختران جوان و نوجوان نسل جدید، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند... / جوان ایرانی از پیشرفت جوامع اطراف ایران و کشورهای غربی آگاه است...). در پاره‌گفتارهای بالا، جنس ("نساء"، "فتیات"، "شباب") و سن/نسل ("المراهقات"، "الأجيال الصاعدة"، "الشباب") اساس هویت بخشی را تشکیل می‌دهد.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «وتكشف الأزمة في بعض وجوها افتقار الحكومة إلى فهم التطورات والتفاعل المناسب مع ممثلي وحملة القيم الجديدة من الأجيال الذين نشؤوا اجتماعياً في عالم مختلف عن تقاليد الجيل الأول والثاني للثورة في إيران». (بحران در برخی از ابعاد خود، از نیاز دولت به فهم تحولات و تعامل مناسب با نسل‌هایی که نمایندگان و حاملان ارزش‌های جدید هستند، پرده برمی‌دارد؛ نسل‌هایی که از نظر اجتماعی در دنیایی متفاوت از سنت‌های نسل اول و دوم انقلاب ایران رشد کرده‌اند). در اینجا هویت‌بندی مقوله‌ای بر اساس تعلق نسلی و اجتماعی - سیاسی "الأجيال"، "الجيل الأول والثاني للثورة" شکل گرفته و کنشگران بر اساس طبقه سیاسی و اجتماعی بازنمایی شده‌اند.

1. Identification
2. Relational Identification.

ارزش‌دهی^۱

گاهی کنشگران با صفات مثبت و فضیلت‌های باارزش (مانند ادب، آراستگی و ...) بازنمایی می‌شوند که ارزش‌دهی مثبت صورت گرفته است و گاهی با صفاتی که بار منفی دارند (مانند ترس، ریاکاری، نادانی و ...) بازنمایی می‌شوند که در این شرایط، کنشگران به صورت منفی ارزش‌دهی شده‌اند.

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «فی الوقت نفسه شعرت المرأة في إيران، كما شعر المجتمع المدني بشكل عام، أن العالم الحر قد تخلى عن الشعب الإيراني». (در همان حال، زن ایرانی، همچون جامعه مدنی به طور کلی، احساس کرد که جهان آزاد، مردم ایران را رها کرده است).

و یا در پاره‌گفتارهای: «وواجه النظام كعاداته المجموعات التي أطلقت هتافات تدعو إلى الحرية بعنف أمني واعتقال العشرات» / «... مما وفر للنظام تمويلاً أكبر لتعزيز قدراته وإطالة فترة قمعه للمجتمع والنساء و...».

(رژیم طبق معمول با گروه‌هایی که شعار آزادی سر می‌دادند، با خشونت امنیتی مقابله کرد و ده‌ها نفر را دستگیر کرد. / این امر بودجه بیشتری را برای ارتقای توانایی‌های رژیم و طولانی‌تر کردن دوره سرکوب جامعه و زنان در اختیار رژیم قرار داد).

نویسنده در این پیکره از داده‌ها، دو گروه خودی و غیر خودی تشکیل می‌دهد. خودی‌ها (یا حامیان آن‌ها) با صفات مثبت ("العالم الحر") و غیر خودی‌ها (حکومت ایران) با صفات منفی ("عنف"، "اعتقال"، "قمع"، "ظلم") بازنمایی می‌شوند و نویسنده به انکار صفات منفی برای گروه خودی (گروهی که به طرف‌داری از آن‌ها پرداخته) متوسل می‌شود.

خبر الجزیره

در پاره‌گفتارهای: «يبدو الإصرار على نشر دوريات الإرشاد في الشوارع مؤشراً على قصور سياسي عن فهم التغيرات القيمية في المجتمع» / «... تؤكد الحكومة وجود "مندسين" وسط المظاهرين» / «ويذكر خصوم إيران في الخارج مقدار الضغط الذي ترتبه الحالة الاقتصادية» / «... مع موقف الإدارة الأميركية العدائي».

(گویا اصرار بر استقرار گشت‌های ارشاد در خیابان‌ها نشان‌دهنده ناتوانی سیاسی در درک تغییرات ارزشی در جامعه است. / ... حکومت حضور "نفوذی‌ها" در میان تظاهرکنندگان را تأیید می‌کند. / و دشمنان ایران در خارج از کشور متوجه میزان فشاری که وضعیت اقتصادی ایجاد می‌کند، هستند. / ... با موضع خصمانه دولت آمریکا).

هر چند الجزیره هر دو طرف اصلی (حکومت ایران و معترضان/ نیروهای خارجی) را با صفات منفی بازنمایی کرده است ("قصور سیاسی"، "مندسین"، "خصوم"، "عدائی") و از ارزش دهی مثبت در مورد هیچ کدام از طرفین استفاده نکرده است؛ اما بار معنایی و شدت صفات منفی ای که برای حکومت ایران آورده ("قصور سیاسی")، به مراتب کمتر از ارزش های منفی است که العربیه آورده است ("عنف"، "قمع"، "ظلم"). در ثانی، الجزیره گروه مخالف را به شکل گروهی فریب خورده یا تحت تأثیر عوامل خارجی بازنمایی کرده که با تحریک دشمنان خارجی (به ویژه آمریکا) و نفوذی هایی که از طرف آنها در صف مردم وارد شده اند، به خشونت و آشوب دست زده اند.

مشخص سازی تک موردی و چندموردی^۱

اگر کنشگر در آن واحد یک نقش داشته باشد، مشخص سازی تک موردی و اگر چند نقش داشته باشد، مشخص سازی چندموردی صورت گرفته است. مشخص سازی چندموردی به چند دسته تقسیم می شود: تقابل نمایی (وارونگی)، نمادآوری (نمادین شدگی)، تضمین نمایی (دالت ضمنی) و فشرده شدگی. در متن بررسی شده، فقط نمونه ای از مشخص سازی چندموردی از نوع تقابل نمایی در خبر العربیه یافت شد. در تقابل نمایی، کنشگران به دو نقشی منسوب می شوند که در تقابل با یکدیگر قرار دارند.

خبر العربیه

در پاره گفتار: «... أن العالم الحرّ قد تخلّى عن الشعب الإيراني، ولا سيما منذ توقيع إدارة الرئيس الأميركي السابق باراك أوباما على الاتفاق النووي في ۲۰۱۵...».

(... که جهان آزاد، مردم ایران را رها کرده است؛ این حس به ویژه از زمانی بیشتر شد که دولت باراک اوباما، رئیس جمهور سابق ایالات متحده، توافق هسته ای را در سال ۲۰۱۵ امضا کرد...).

در اینجا نقش دوگانه آمریکا ("العالم الحرّ" و درعین حال عامل امضای توافقی که به ضرر مردم تمام شد) با ارجاع تقابل نمایی بازنمایی شده است. نویسنده معتقد است آمریکا که خود را "جهان آزاد" و حامی ملت ایران می نمایاند، از زمان اوباما و با امضای توافق نامه هسته ای، مردم ایران (به ویژه زنان) را تنها گذاشته و دست دولت ایران را برای سرکوب مردم باز گذاشته است.

نامشخص سازی

در نامشخص سازی، هویت دقیق کنشگران برای خواننده اهمیتی ندارد یا مشخص نمی شود.

1. Single Determination/ Over Determination

خبر العربیه

در پاره‌گفتار: «ونظمت الجالیات الإيرانية صفوفها فی مختلف دول العالم...». (جوامع ایرانی [در خارج] صفوف خود را در کشورهای مختلف جهان سازماندهی کردند...).

خبر الجزیره

در پاره‌گفتار: «ورغم النقاش المستفيض إلا أن فئة استطاعت أن تفرض رؤيتها التي تقول إنه نظرًا لأن النظام السياسي والثقافي أصبح إسلاميًا، يمكنه ويجب عليه تحديد القواعد والإجراءات في جميع المجالات».

(علی‌رغم بحث‌های گسترده، آن گروهی توانست دیدگاه خود را تحمیل کند که معتقد بود بر این اساس که نظام سیاسی و فرهنگی اسلامی شده است، می‌تواند و باید قوانین و رویه‌هایی را در همه زمینه‌ها مشخص کند).

در پاره‌گفتارهای هر دو خبرگزاری، هویت دقیق کنشگران مشخص نیست. منظور از "الجالیات الإيرانية" (جوامع ایرانی مقیم خارج) یا "فئة" (گروهی) و شناخت افراد یا جریاناتی که در تشکیل آن‌ها نقش دارند، برای نویسنده اهمیتی ندارد یا مورد تأکید نیست. آنچه در اینجا مهم است، خودِ کنش (سازماندهی، تحمیل دیدگاه) است، نه هویت دقیق کنشگر.

تشخیص‌زدایی^۱

بخشی از تعیین نقش است که در آن، کنشگر با مشخصه‌های غیرانسانی (مانند مفاهیم انتزاعی، اشیاء، مکان‌ها) مشخص می‌شود. این فرایند خود به دودسته انتزاعی‌سازی و عینی‌سازی تقسیم می‌شود.

انتزاعی‌سازی^۲

در انتزاعی‌سازی (یا ذهنی‌سازی)، بازنمایی کنشگران اجتماعی به وسیله یک خصوصیت یا مفهوم انتزاعی که در ذهن تولیدکننده گفتمان جای گرفته است، صورت می‌گیرد. از انتزاعی‌کردن می‌توان برای تنزل افراد و گروه‌ها تا حد یک مفهوم یا ویژگی استفاده کرد.

خبر العربیه

«المرأة في المنطقة تتقدم وحكومات الاتفاق تحيي النظام...».

(زنان در منطقه در حال پیشرفت هستند و دولت‌های توافق به‌نظام [ایران] خوشامد می‌گویند...).

منظور از "حکومات الاتفاق" (دولت‌های توافق)، کشورهای گروه ۵+۱ هستند که در توافق هسته‌ای با ایران نقش داشته‌اند. استفاده از این صفت انتزاعی "الاتفاق" برای بازنمایی این

1. Impersonation
 2. Abstraction

کشورها، نشان‌دهنده ایدئولوژی حاکم بر خبرگزاری است؛ آن‌ها را تنها در قالب نقششان در توافق بازنمایی می‌کند و (از دیدگاه نویسنده) ضعیف‌تر از آن می‌داند که بتوانند برای مردم ایران کاری انجام دهند یا موضع قاطعی بگیرند.

خبر الجزیره

«والحرکه الخضراء ليست استثناء من ذلك، تفتقد إلى القيادة بشتى أنواعها». (و جنبش سبز نیز از این قاعده مستثنا نیست و فاقد هرگونه رهبری است). در اینجا نیز الجزیره با تشخیص زدایی و انتزاعی کردن «الحرکه الخضراء» (جنبش سبز) و نسبت دادن ویژگی «فقدان رهبری» به آن، از ارزش و اهمیت آن کاسته و آن را در حد یک جریان بی‌هدف و فاقد مدیریت (که به تغییری نیز منجر نخواهد شد) دانسته است.

عینی‌سازی^۱

عینی‌سازی^۴ مقوله اصلی دارد: مکان‌مداری، گفته‌مداری، ابزارمداری و اندام‌مداری. (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۳۶)

مکان‌مداری^۲

(کنشگر با مکان مرتبط با او بازنمایی می‌شود).

خبر العربیه

«فی یونیو (حزیران) ۲۰۰۹ التهبت شوارع طهران بتظاهرات واسعة ضد النظام». (در ژوئن ۲۰۰۹ خیابان‌های تهران در تظاهرات ضد نظام به آشوب کشیده شد.) (کنش به مکان «شوارع طهران» نسبت داده شده).

خبر الجزیره

«ورأت طهران أن قرار واشنطن «تخفيف حدة عدد من العقوبات على قطاع الاتصالات، مع الحفاظ على أقصى قدر من الضغوط»، سعى أميركي إلى المضى قدما في أهدافها ضد إيران». (تهران تصمیم واشنگتن را برای «کاهش شدت تعدادی از تحریم‌ها در بخش ارتباطات و درعین حال حفظ حداکثر فشار» به عنوان تلاش آمریکا برای پیشبرد اهداف خود علیه ایران دانست). (کنشگر «حکومت ایران» با مکان «طهران» و کنشگر «دولت آمریکا» با مکان «واشنطن» بازنمایی شده)

1. Objectivation
2. Orbital position

گفته‌مداری^۱

(کنشگر با گفته یا متن مرتبط با او بازنمایی می‌شود).

خبر العربیه

«ومع انتشار الخبر، انفجرت التظاهرات في العاصمة وانتقلت إلى مختلف المدن والبلدان». (با انتشار این خبر، تظاهرات وسیعی در پایتخت برپا شد و به شهرها و کشورهای مختلف نیز سرایت کرد). (کنشگر عامل شروع تظاهرات، خود "خبر" معرفی شده).

خبر الجزیره

«وأعلن بيان رسمي عن إلقاء القبض على عدد من غير الإيرانيين من الضالعين في ذلك». (در بیانیه‌ای رسمی از دستگیری تعدادی از افراد غیرایرانی که در این امر دخیل بودند، خبر داده شد). (کنشگر اعلام‌کننده، "بیان رسمی" است).

نتایج

فرضیات اولیه این پژوهش عبارت بودند از:

به نظر می‌رسد العربیه با قطب‌بندی میان کنشگران، غیریت‌سازی و ارزش‌دهی (منفی به کارگزاران نظام و مثبت به مردم) در بازنمایی اعتراض‌های ایران، کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران را فعال (منفی) و مردم ایران را منفعل (قربانی) بازنمایی کرده است؛ در مقابل، الجزیره کوشیده است از قطب‌بندی پرهیز کند و با اعمال ارزش‌دهی (به‌طور عمده منفی) نسبت به کنشگران هر دو طرف، آن‌ها را به یک اندازه یا با دلایل متفاوت، درگیر یا مقصر نشان دهد.

به نظر می‌رسد العربیه نسبت به الجزیره، سوگیری بیشتری در قبال اخبار ایران داشته و گفتمان الجزیره قرابت بیشتری با گفتمان سیاسی رسمی ایران دارد.

در پژوهش حاضر، دو سرمقاله از خبرگزاری‌های العربیه و الجزیره راجع به اعتراض‌های ایران در سال ۱۴۰۱، بر اساس مؤلفه‌های جامعه-معناشناختی و نلیوون موردبررسی قرار گرفت. بر پایه این تحلیل، این نتیجه کلی به‌دست آمد که بازنمایی کنشگران اجتماعی در هر دو سرمقاله، بر اساس اهداف و ایدئولوژی‌هایی است که نویسندگان و خبرگزاری‌های متبوع آن‌ها دنبال کرده‌اند.

همچنین با توجه به نتایج تحلیل، فرضیه اول این پژوهش تأیید می‌شود. العربیه با توجه به ایدئولوژی و راهبرد سیاسی خود، با استفاده از راهبردهایی مانند کتمان و کم‌رنگ‌کردن عواملان

حکومتی (در مورد مرگ مهسا امینی)، نامشخص‌سازی آن‌ها، فعال‌سازی منفی و ارزش‌دهی منفی به حکومت، غیریت‌سازی و قطب‌بندی، سعی کرده است تمرکز را بر روی خود اعتراض‌ها و نحوه‌ی برخورد خشن با معترضان قرار دهد و از حکومت ایران تصویری سرکوبگر و جنایت‌کار ارائه دهد. از طرف دیگر، با ارزش‌دهی مثبت به گروه مخالف ("العالم الحر")، فعال‌نمایی آن‌ها در مبارزه ("انتفاضه")، بازنمایی آن‌ها به‌عنوان قربانی و تأثیرپذیرفته منفی از سمت حکومت (منفعل‌نمایی)، نام‌دهی کنشگران معترض با نام کوچک (ایجاد حس همدردی و نزدیکی) و استفاده از تکنیک تعمیم، به مخاطب القا کند که همه مردم ایران مخالف حکومت هستند تا از این طریق به جریان اعتراض‌ها مشروعیت بخشد. همچنین، العربیه با ذکر کلمه "انتفاضه" در عنوان و استفاده مکرر از ساختارهای معلوم برای کنش‌های اعتراضی و مجهول یا کلی برای کنش‌های حکومتی، اعتراض‌های ایران را نوعی قیام مردمی علیه ظلم معرفی کرده و با استفاده از ارجاع تقابلی، به نقد سیاست دوگانه آمریکا در قبال ایران پرداخته است.

اما در الجزیره، سیاست تا حدی متفاوت است. الجزیره در قبال این حوادث، سیاست محتاطانه‌تری را در پیش گرفته و سعی دارد مسئولیت را به‌طور مستقیم متوجه گروه خاصی نکند. به‌همین علت از همان ابتدا برای توصیف این اعتراض‌ها از واژه "احتجاجات" (اعتراض‌ها) و برای توصیف مرگ مهسا امینی از فعل مجهول "توفیت" (درگذشت) استفاده کرده است. الجزیره نیز با کتمان و کم‌رنگ کردن کنشگران دخیل در مرگ مهسا امینی، سعی دارد به گروه یا فرد خاصی اشاره نکند. هرچند این خبرگزاری به ارزش‌دهی منفی حکومت ایران می‌پردازد، اما تنها ارزش منفی صریحی که به آن نسبت می‌دهد، "قصور سیاسی" در فهم تغییرات است که نسبت به واژگان به‌کاررفته در العربیه، بار منفی کمتری دارد. خبرگزاری الجزیره با استفاده از منفعل‌نمایی کنشگران جبهه مخالف، از طرفی آن‌ها را سرخورده از سیاست‌های غلط دولت و از طرفی (با نقل قول یا تحلیل)، فریب‌خورده دشمنان (به‌ویژه آمریکا) و نفوذی‌ها می‌داند. الجزیره برخلاف العربیه، دست به قطب‌بندی و غیریت‌سازی صریح نمی‌زند و در تحلیل نهایی، حکومت ایران را (به‌طور ضمنی) به شناخت نیازهای مردم و رسیدن به تفاهم و حل بحران دعوت می‌کند. در همین راستا، الجزیره برخلاف العربیه، به‌جز در موارد انگشت‌شمار (مقامات یا کارشناسان)، معترضان را نام‌دهی نکرده تا نشان دهد میان صفوف مردم همبستگی یکپارچه و مشخصی (از دیدگاه این رسانه) وجود ندارد یا نمی‌خواهد بر آن تأکید کند.

در آخر، با توجه به آنچه راجع به تفاوت گفتمان دو خبرگزاری بیان شد، فرضیه دوم این پژوهش نیز تأیید می‌شود؛ مبنی بر این که سیاست العربیه در بازنمایی اخبار ایران سوگیرانه‌تر (علیه نظام حاکم) بوده و گفتمان الجزیره همانندی و قرابت بیشتری با گفتمان سیاسی رسمی حکومت ایران (در زمینه تحلیل علل و عوامل اعتراض‌ها و نقش دشمنان خارجی) دارد.

منابع

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- آفاگل زاده، فردوس؛ خیرآبادی، رضا و گلفام، ارسلان (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ و نلیوون). جستارهای زبانی، ۴(۱)، ۱۹-۱.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا؛ صحرآگرد، رحمان و فلاحی، محمد هادی (۱۳۸۸). شیوه بازنمایی کنشگران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان مدار جامعه‌شناختی - معنایی، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، ۱(۱)، ۵۱-۷۳.
- تاکسی، گیتی و نخعی، مریم (۱۳۹۷). نحوه کاربرد مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در هویت‌دهی به کارگزاران اجتماعی در روزنامه‌های داخلی و خارجی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران. مطالعات رسانه‌ای، ۱۳(۲)، ۸۷-۹۷.
- رحیم‌زاده حناچی، احسان؛ نصراللهی کاسمانی، اکبر، سلطانی‌فر، محمد و مظفری، افسانه (۱۴۰۳). شناسایی مضامین شایعه‌ها و اخبار جعلی با موضوع کوید ۱۹ و تبعات آن. رسانه، ۳۵(۲)، ۵-۳۲.
- <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.388693.1851>
- زارع زردینی، مرضیه؛ مشکین‌فام، بتول و سعیدنیا، گلرخ (۱۳۹۹). بازنمایی کنشگران اجتماعی توافق هسته‌ای ایران بر اساس الگوی ونلیوون در دو روزنامه الرياض عربستان و تشرین سوریه. زبان‌پژوهی، ۱۲(۳۶)، ۶۱-۸۶.
- doi: 10.22051/JLR.2019.26369.1710
- زمانی، سمیه و خلیلی، محسن (۱۳۹۳). بازنمایی دیگری در قالب کارگزاران اجتماعی در روزنامه‌های قانون و کاوه. جستارهای سیاسی معاصر، ۵(۱۴)، ۷۷-۱۰۵.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط؛ برآبادی، الیاس و میرزاده، طاهره (۱۳۹۶). بررسی ساختارهای گفتمان مدار سوره قصص بر اساس الگوی ونلیوون. پژوهشهای ادبی - قرآنی، ۵(۳)، ۴۱-۶۲.
- dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1396.5.3.3.1
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- قاسمی اصل، زینب و نیازی، شهریار (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی ایران در روزنامه الشرق الأوسط با تکیه بر الگوی ونلیوون. ادب عربی، ۱۲(۲)، ۲۳-۴۲.
- <https://doi.org/10.22059/jalit.2019.231455.611696>
- قنبری عبدالملکی، رضا و فیروزیان پوراصفهانی، آیلین (۱۴۰۱). بررسی شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی در داستان «دره خزان زده» از منظر تحلیل گفتمان انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی (رویکرد ونلیوون). جستارهای زبانی، ۱۳(۱)، ۱۹۹-۲۳۲.
- doi.org/10.52547/LRR.13.1.7
- کلانتری خاندانی، عزت‌الله؛ فرخی برفه، محمدحسن و غنچه‌پور، موسی (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان انتقادی توییت‌های دونالد ترامپ بر اساس نظریه وندایک. زبان‌پژوهی، ۱۲(۳۴)، ۱۵۵-۱۳۱.
- <https://doi.org/10.22051/jlr.2019.20256.1545>
- محسنی، حسین؛ تنها، فاطمه و بلاوی، رسول (۱۴۰۱). تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی ترور شهید قاسم سلیمانی در روزنامه الشرق الأوسط با تکیه بر الگوی ونلیوون. آفاق امنیت، ۱۵(۵۶)، ۴۵-۷۵.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1401.15.56.2.1>
- المشیخی، محمدبن عوض (۲۰۰۷). رسانه‌ها در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس. ترجمه حسن بشیر. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- میلز، سارا (۱۹۹۷). گفتمان. ترجمه فتاح محمدی. چاپ دوم. زنجان: انتشارات هزاره سوم.

نژادسالاری، عاطفه و مهدیزاده، سید محمد (۲۰۲۳). بازنمایی مرگ ملکه انگلیس در رسانه‌های داخلی و خارجی، رسانه، ۲(۳۴)، ۵-۲۴. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.375401.1829>

ون‌دایک، تئون ای (۱۳۹۳). ایدئولوژی و گفتمان. ترجمه محسن نوبخت. تهران: سیاه‌رود.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۰). درآمدی به گفتمان‌شناسی. تهران: هرمس.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. تهران: هرمس.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). گفتمان رایج و انتقادی. تهران: هرمس.

- Aghagolzadeh, F. (2016). Critical Discourse Analysis. Tehran: Scientific and cultural publications [In Persian]
- Aghagolzadeh, F., Khairabadi, R., & Gulfam, A. (2012). comparative study of the way Iranian and Western actors are represented in Iran's nuclear case in the international media (Van Leeuwen, the 2008 model). *Language Related Research*, 4(1)1-19. [In Persian]
- Al-Mashikhi, M. (2007). *Media in the Arab countries bordering the Persian Gulf*. Translated by H. Bashir, Tehran: Imam Sadegh University Press. [In Persian]
- ArabYusef Abadi, A. B., Barabodi, E., & Mirzadeh, T. (2016). Investigating the discourse structures of Surah Qesas based on Van Leeuwen's Model Scientific. *Literary-Quranic Researches*. 5(3).41-62. [In Persian] <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452234.1396.5.3.3.1>
- Fairclough, N. (1995). *Critical analysis of discourse*. Translation by Fatemeh SHayestehthe & group of Translators. First Edition. Tehran: Media Studies and Research Center. [In Persian]
- Ghasemi Asl, Z., & Niazi, Sh. (2020). Critical discourse analysis on Iran's representation in Asharq Al-Awsat newspaper relying on Van Leeuwen's Model. *Arabic Literature*, 12(2).23-42. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/jalit.2019.231455.611696>
- Ghanbari Abdolmaleki, R., & Firozianpour Esfahani, A. (2022). Investigating methods of social activists' representation in the story "Autumn-influenced Valley" from the perspective of critical discourse analysis enjoying sociological-semantic components (Van Leeuwen's approach. *Language Related Research*, 13(1).199-232. [In Persian] <http://dx.doi.org/https://doi.org/10.52547/LRR.13.1.7>
- Mohseni, H. Tanha, F., & Blawi, R. (2022). Critical Discourse Analysis of the Representation of Qassem Soleimani's Assassination in Al-Sharq Al-Awsat Newspaper Based on Van Leeuwen's Model. *Security Horizons*, 15(56), 45-75. [In Persian]. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1401.15.56.2.1>
- Kalantari Khandani, A. A., Farrokhi Barfe, M. H., & Ghonchehpour, M. (2020). Critical Discourse Analysis of Donald Trump's Tweets Based on Van Dyke's Theory. *Zabanpazhuhi*, 12,(34), 131-155. [In Persian] <https://doi.org/10.22051/jlr.2019.20256.1545>
- Nejadsalari A., Mahdizadeh, M. (2023). Te Coverage of British Queen's Death in Domestic and Foreign Media (Case Studies: Fars and ISNA News Agencies and BBC Persian website). *Rasaneh*, 34(2), 5-24. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.375401.1829>
- Mills, S. (1997). *Discourse*. Translated by: F. Mohammadi. 2nd Edition. Zanjan: Publications of the Third Millennium. [In Persian]
- Pahlevan Nejad, M. R., Sahra Gard, R. , & Fallahi, M. H. (2008). The way of Representing Social Aactivists In the Periodicals of the Constitutional Period From the Perspective of Critical Discourse With Regard to the Components of Sociological-Semantic Discourse. *Linguistics and Khorasan Dialects*, 1(1), 51-73. [In Persian]
- Rahimzadeh Hanachi, E., Nasrollahi Kasmani, Akbar., Soltanifar, M., & Mozaffari, A. (1403). Identifying the content of Rumors and Fake News on the Topic of Covid-19 and Its Consequences. *Rasaneh*, 35(2), 5-32. [In Persian] <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.388693.1851>
- Taki, G., & Nakhaei, M. (2017). The way of Using Sociological-Semantic Components In Identifying Social Agents In Domestic and Foreign Newspapers About Iran's Nuclear Program. *Media Studies*, 13(2), 87-97. [In Persian]
- Van Dijk, T. A. (2015). *Ideology and discourse*. Translated by Mohsen Nobakht. Tehran: Siyah rood publication. [In Persian]
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice: new Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University press.

- Yarmohammadi, L.A. (2012). *An introduction to discourse studies*. Tehran:Hermes. **[In Persian]**
- Yarmohammadi, L.A. (2006). *Communication from the perspective of critical discourse*. Tehran: Hermes **[In Persian]**
- Yarmohammadi, L.A. (2004). Usual and critical discours.Tehran: Hermes. **[In Persian]**
- Zamani, S., & Khalili, M. (2013). another representation in the form of social workers in Qanun and Kaveh newspapers. *Contemporary Political Studies*, 5(14).77-105. **[In Persian]**
- Zare Zardini, M., Meshkin Fam, B., & Saeednia, G. (2019). The representation of Social Activists of Iran's Nuclear Agreement Based on Van Leeuwen's Model in the two Newspapers Al-Riyadh of Arabia and Tasherin of Syria. *Zabanpazhuhi*, 12(36), 61-86. **[In Persian]**
- doi: [10.22051/JLR.2019.26369.1710](https://doi.org/10.22051/JLR.2019.26369.1710)

© Authors, Published by Bureau of Media Studies and Planning. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

